

داناترین انسان

نویسنده: خادم حسین صالحی

۱۳۹۴/۲/۳۱

چکیده

تردیدی نیست که علم و دانش از فضائل انسانی است، به همین جهت است که خداوند متعال می‌فرماید:

«قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ»^(۱)، آیا آنان که می‌دانند و آنان که نمی‌دانند، با یکدیگر برابرند. مسلماً برابر نیست. «وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا»^(۲)، به هر کس حکمت و دانش داده‌شده، خیر فراوان عطا شده است. چنانکه پیامبر اکرم (ص) در فضیلت عالم فرمود: «وَفَضْلُ الْعَالِمِ عَلَى الْعَابِدِ كَفَضْلِ الْقَمَرِ عَلَى سَائِرِ النُّجُومِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ»^(۳)، برتری عالم بر عابد، همچون برتری ماه بر دیگر ستارگان است در شب چهاردهم ماه.

با توجه به ارزش علم و عالم این سؤال مطرح است که داناترین و عالم‌ترین انسان کیست؟ برای پاسخ به این سؤال، بر آن شدم که مقاله تحت عنوان «داناترین انسان» تدوین شود. در این پژوهش داناترین انسان از چهار منظر (از منظر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، امام علی علیه‌السلام، صحابه بزرگوار و اندیشمندان اسلامی) موردبررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی

علم، دانش، امام علی، پیامبر، صحابه، داناترین، اعلم الناس، حکمت، وارث، سنت، امت.

^۱. سوره، زمر، (۳۹)، آیه ۹.

^۲. سوره، بقره، (۲)، آیه ۲۶۹.

^۳ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۳۴. تهران: دارالکتب الاسلامیه. چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.

مقدمه

علی بن ابی طالب کسی است که علم و دانش او قابل توصیف نیست، زیرا دانش بشر نسبت به داش او مانند قطره آبی است نسبت به اقیانوس‌ها، (۱)؛ بنابراین ممکن نیست یک قطره آب بتواند بیانگر اوصاف اقیانوس از نظر عرض و طول و عمق باشد، یا وقتی دانش تمام بشر در تمام زمینه‌ها به اندازه یک‌دهم دانش اوست، (۲) پس چگونه می‌تواند دانش او را توصیف و بیان کنند، بنابراین دانش او در محدوده الفاظ و افکار بشری نمی‌گنجد؛ و تنها خدا و رسولش می‌داند.

وقتی مردم نتوانست او را بشناسند و به خاطر بخل و حسادت نتوانست فضائل او را تحمل کنند و لذا دوست و دشمن او را مورد هجمه قرار دادند و تلاش کردند تا فضایل برجسته او را از بین بی‌برند. تا آنجا تلاش نمودند که اگر کسی به دوستی علی (ع) متهم می‌شد، از کار اخراج می‌شد و حقوق او از بیت‌المال قطع می‌گردید (۳)؛ و اگر کسی با علی (ع) اظهار دوستی می‌کردند گوش و بینی‌شان را می‌برید و خانه‌هایش را ویران می‌کرد. (۴)؛ سخن گفتن از فضائل و مناقب علی (ع) را ممنوع کردند (۵)؛ و از آن روز تاکنون دوستداران او را به خاطر دوستی به او متهم به کفر می‌کنند و جان و اموالشان را مورد تعرض قرار می‌دهند.

۱. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام (لابن شهر آشوب)، ج ۲، ص ۳۰. قم: علامه. چاپ: اول، ۱۳۷۹ ق.

ابن طاووس، علی بن موسی. طرف من الأنباء و المناقب، ص ۲۶۵. مشهد، چاپ: اول، ۱۴۲۰ ق.

۲. السیوطی، جلال الدین عبد الرحمن. جامع الاحادیث (الجامع الصغیر وزوائده والجامع الکبیر)، ج ۱۲، ص ۸۷، ح ۱۸۴.

الهندی، علاء الدین علی المتقی. کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال. تحقیق: محمود عمر الدمیاطی، ج ۱۱، ص ۲۸۲، ح ۳۲۹۸۲. بیروت: دار الکتب العلمیة ... چاپ اول، ۱۴۱۹ هـ.

۳. المدائنی، محمد بن ابی الحدید. شرح نهج البلاغة، ج ۱۱، ص ۲۶. تحقیق: محمد عبد الکریم النمری. بیروت: دار الکتب العلمیة. چاپ اول، ۱۴۱۸ هـ.

۴. همان.

۵. همان.

نتیجه این دشمنی جاهلانه و ظالمانه آن شد که جامعه بشریت و مخصوصاً امتی اسلامی از بهره‌برداری دانش بی‌کران آن حضرت و از عدالت بی‌مثال او محروم شدند؛ و ضررهای جبران‌ناپذیری بر پیکر جامعه بشریت وارد شدند و بشر این نعمت بزرگ را بدون بهره‌برداری لازم از دست دادند و هزاران سؤال ابهام بدون پاسخ ماندند.

از خداوند مهربان و امیر مؤمنان علی بن ابی‌طالب عاجزانه می‌خواهم که این عمل کوچک را از این جانب بی‌پذیرد. انشا الله به‌زودی با ظهور آخرین ذخیره الهی حضرت بقیه‌الله الأ‌عظم، عجل الله تعالی، ظهوره و فرجه، تمام زوایای دانش آن حضرت روشن خواهد و به ابهامات و سؤالات بی‌پاسخ پاسخ داده خواهد شد.

روش تحقیق در این پژوهش

این پژوهش با رویکردی اعتقادی و تربیتی، با روش توصیفی، تحلیلی و کتابخانه‌ای است. منابع مورد استفاده: قرآن کریم و کتب روای و تاریخی معتبر بوده است که در بخش منابع درج شده است.

دانش علی (ع) از دیدگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم

در ابتدا باید توجه نمود که علم و دانش امام علی (ع) «اکتسابی» نیست تا بگوییم که او در بهترین مدرسه و دانشگاه تحصیل نموده؛ و از محضر بهترین اساتید بهره‌مند شده و مدت طولانی در امر یادگیری سپری نموده و نیز استعداد فوق‌العاده و پشت‌کار قوی داشته، بلکه علم او «لدنی» است، علم او عطیه‌ای الهی است، از این رو علم او با علوم اکتسابی که همه انسان‌های معمولی و غیر مرتبط با وحی آسمانی کسب می‌کنند متفاوت‌اند و بر آن‌ها برتری دارد، بنابراین هر آدم منصفی اعم از شیعه و سنی دوست و دشمن معترف‌اند که او داناترین مردمان است. در این‌که این ادعا درست یا نه در ابتدا به سراغ سخنان بهترین و بزرگ‌ترین مخلوق کائنات حضرت محمد صلی علیه و آله وسلم می‌روم، ببینیم که او درباره دانش علی چه می‌گوید.

۱. علی بن ابی‌طالب داناترین امت در زمان رسول خدا (ص) بود

این روایت از چندین طرق نقل شده است که در ذیل به چند مورد اشاره شده است:

الف. معقل بن یسار از رسول خدا (ص) روایت نموده است.

«أَوْ مَا تَرْضَيْنَ أَنِي زَوَّجْتُكَ أَقْدَمَ أُمَّتِي سَلْمًا وَأَكْثَرَهُمْ عِلْمًا وَأَعْظَمَهُمْ حِلْمًا»^(١)؛ پیامبر اکرم (ص) بعد از تزویج فاطمه به علی (ع) به دختر خود فرمود: آیا راضی نیستی که تو را به تزویج کسی درآوردم که از نظر اسلام اولین است، از نظر دانش بیشترین و از نظر حلم بردبارترین است. سند این روایت صحیح است،^(٢).

ب. بریده از رسول خدا (ص) روایت نموده است که پیامبر اکرم (ص) بعد از تزویج فاطمه به علی (ع) به دختر خود فرمود:

«زَوَّجْتُكَ خَيْرَ أَهْلِي: أَعْلَمُهُمْ عِلْمًا، وَأَفْضَلُهُمْ حِلْمًا، وَأَوْلَهُمْ سَلْمًا»^(٣)، تو را به تزویج بهترین بستگانم و اهلم درآوردم که از نظر دانش داناترین و از نظر حلم و بردباری برترین و از نظر اسلام اولین است.

ج. علی بن ابی طالب (ع) از رسول خدا (ص) روایت نموده است.

«فَزَوَّجَنِي رَسُولُ اللَّهِ فَاطِمَةَ، فَلَمَّا بَلَغَ فَاطِمَةَ ذَلِكَ بَكَتُ، فَدَخَلَ عَلَيْهَا رَسُولُ اللَّهِ فَقَالَ: مَا لَكَ تَبْكِينَ يَا فَاطِمَةُ؟ وَاللَّهِ لَقَدْ أَنْكَحْتُكَ أَكْثَرَهُمْ عِلْمًا، وَأَفْضَلَهُمْ حِلْمًا، وَأَقْدَمَهُمْ سَلْمًا، وَفِي لَفْظٍ: أَوْلَهُمْ سَلْمًا»^(٤)؛ حضرت علی (ع) فرمود: رسول خدا (ص) فاطمه را به تزویج من درآورد، وقتی این خبر به فاطمه

١. الشيباني، أحمد بن حنبل أبو عبدالله. مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ٥، ص ٢٦، ح ٢٠٣٢٢. مصر: مؤسسة قرطبة.

الطبراني، سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم. المعجم الكبير. تحقيق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي، ج ٢٠، ٢٢٩، ح ٥٢٥. الموصل: مكتبة الزهراء. چاپ دوم، ١٤٠٤ - ١٩٨٣.

الشافعي، أبي القاسم علي بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله. تاريخ مدينة دمشق وذكر فضلها وتسمية من حلها من الأماثل. تحقيق: محب الدين أبي سعيد عمر بن غرامة العمري، ج ٤٢، ص ١٢٦. بيروت: دار الفكر. چاپ، ١٩٩٥.

٢. الغزالي أبو حامد، محمد بن محمد. حياء علوم الدين، ج ٣، ص ٢٧٣. بيروت: دار المعرفة.

العراقي، أبو الفضل. المغنى عن حمل الأسفار. تحقيق: أشرف عبدالمقصود، ج ٢ ص ٩٢٠. الرياض: مكتبة طبرية. چاپ اول، ١٤١٥ هـ - ١٩٩٥ م.

٣. السيوطي، جلال الدين عبد الرحمن. جامع الاحاديث (الجامع الصغير وزوائده والجامع الكبير)، ج ٤، ص ٤٥٠، ح ١٢٧٣٦.

الهندي، علاء الدين علي المتقي. كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال. تحقيق: محمود عمر الدمياطي، ج ١١، ص ٢٧٨، ح ٣٢٩٩٢٦. بيروت: دار الكتب العلمية ... چاپ اول، ١٤١٩ هـ.

٤. السيوطي، جلال الدين عبد الرحمن. جامع الاحاديث (الجامع الصغير وزوائده والجامع الكبير)، ج ١٦، ص ٢٣٩، ح ٧٧٩٩.

الهندي، علاء الدين علي المتقي. كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال. تحقيق: محمود عمر الدمياطي، ج ١٣، ص ٥٠، ح ٣٦٣٧٠. بيروت: دار الكتب العلمية ... چاپ اول، ١٤١٩ هـ.

رسید گریه کرد، رسول خدا (ص) بر فاطمه وارد شد فرمود: دخترم فاطمه چرا گریه می‌کنی؟ سوگند به خدا ترا به شخص تزویج کردم که او از همه‌ی صحابه علم بیشتری دارد و در قبول اسلام از تمامی مردم مقدم‌تر است. ابن حریر نیز این مطلب را گفته و دولابی در کتاب ذریه الطاهره سند حدیث را صحیح دانسته است.

د. فاطمه زهرا سلام‌الله علیها از رسول خدا (ص) روایت نموده است.

«وروی الطبرانی عن فاطمة (رضی الله تعالی عنها) أن رسول الله (صلی الله علیه وسلم) قال لها: أما ترضین أنى زوجتک أول المسلمین إسلاما و أعلمهم علما، فإنک سيدة نساء أمتی، كما أن مریم سيدة نساء قومها»^(۱)؛ رسول خدا (ص) خطاب به فاطمه (ع) فرمود: آیا راضی هستی که من تزویج کنم تو را به کسی که در قبول اسلام اولین نفر است و از همه‌ی صحابه داناتر است، تو سرور زنان امتی منی همان‌گونه که حضرت مریم سرور زنان قومش بود؟

ه. انس بن مالک از پیامبر (ص) روایت نموده است

پیامبر اکرم (ص) خطاب به فاطمه فرمود: «زَوَّجْتُكَ يَا بِنْتِيَّ أَعْظَمَهُمْ حِلْمًا، وَأَقْدَمَهُمْ سِلْمًا، وَأَكْثَرَهُمْ عِلْمًا»^(۲)؛ تو را به تزویج کسی درآوردم که از نظر حلم و بردباری برترین صحابه و از نظر اسلام اولین آن‌ها و از نظر دانش داناترین آن‌ها است.

و. اسماء بنت عمیس این حدیث را این‌گونه نقل نموده است:

^۱. الصالحی الشامی، محمد بن یوسف. سبل الهدی والرشاد. تحقیق: عادل أحمد عبد الموجود وعلی محمد معوض، ج ۱۱، ص ۲۹۱.

بیروت: دار الکتب العلمیة. چاپ اول، ۱۴۱۴ هـ

^۲. الخطیب البغدادی، أحمد بن علی بن ثابت. موضح أوامم الجمع والتفریق. تحقیق: د. عبد المعطی أمين قلجی، ج ۲، ص ۱۴۸. بیروت: دار المعرفة. چاپ اول، ۱۴۰۷.

الشافعی، أبی القاسم علی بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله. تاریخ مدینة دمشق وذكر فضلها وتسمیة من حلها من الأمثال. تحقیق: محب الدین أبی سعید عمر بن غرامة العمری، ج ۴۲، ص ۱۲۳. بیروت: دار الفکر. چاپ، ۱۹۹۵.

الصالحی الشامی، محمد بن یوسف. سبل الهدی والرشاد. تحقیق: عادل أحمد عبد الموجود وعلی محمد معوض، ج ۱۱، ص ۲۹۱. بیروت: دار الکتب العلمیة چاپ اول، ۱۴۱۴ هـ

«عن أسماء بنت عميس قالت قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لفاطمة زوجتك أقدمهم سلما وأعظمهم حلما وأكثرهم علما»،^(١)؛ أسماء بنت اعمس می گوید: که رسول خدا صلی الله علیه وسلم به فاطمه فرمود که همسر تو از نظر اسلام اولین آن‌ها و از نظر حلم بردبارترین آن‌ها و از نظر علم داناترین آن‌ها است.

ز. ابوسعید خدری این حدیث را این‌گونه نقل نموده است:

«إِيَّاكَ زَوْجَكَ أَغْزَرَهُمْ عِلْمًا وَأَكْثَرَهُمْ حِلْمًا وَأَقْدَمَهُمْ سِلْمًا»،^(٢)؛ تو را به تزویج کسی در آوردم که از نظر دانش داناترین آن‌ها از نظر حلم و بردباری برترین آن‌ها و از نظر اسلام اولین آن‌ها است.

ح. عایشه این حدیث را این‌گونه نقل نموده است

«عن عائشة قالت حدثتني فاطمة قالت قال لي رسول الله صلى الله عليه وسلم زوجك أعلم الناس علما وأولهم إسلاما وأفضلهم حلما»،^(٣)؛ عایشه می گوید: فاطمه فرمود که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند: همسر تو از نظر دانش داناترین مردمان و از نظر اسلام اولین آن‌ها و از نظر حلم بردبارترین آن‌ها است.

در این حدیث برتری علم امام علی (ع) مقید به صحابه نیست، یعنی حضرت علی (ع) بر تمام انسان‌ها برتری علمی دارد، هم نسبت به صحابه و هم نسبت به سایر امت‌ها.

^١. الشافعي، أبي القاسم علي بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله. تاريخ مدينة دمشق وذكر فضلها وتسمية من حلها من الأماثل. تحقيق: محب الدين أبي سعيد عمر بن غرامة العمري، ج ٤٢، ص ١٣٣. بيروت: دار الفكر. چاپ، ١٩٩٥.

^٢. المالكي (ابن الصباغ)، علي بن محمد أحمد. الفصول المهمة في معرفة الأئمة. تحقيق: سامي الغريزي، ج ٢، ص ١١١٤. ناشر: دار الحديث للطباعة والنشر. چاپ اول، ١٤٢٢.

اربلي، علي بن عيسى، كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة). تحقيق رسولي محلاتي، سيد هاشم، ج ٢، ص ٤٨٢. تبريز، چاپ: اول، ١٣٨١ ق.

^٣. الدولابي، الإمام الحافظ أبو بشر محمد بن أحمد بن حماد. الذرية الطاهرة. تحقيق: سعد المبارك الحسن، ج ١، ص ١٠٣. الكويت: الدار السلفية. چاپ اول، ١٤٠٧، الطبعة: الأولى،

الشافعي، أبي القاسم علي بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله. تاريخ مدينة دمشق وذكر فضلها وتسمية من حلها من الأماثل. تحقيق:

محب الدين أبي سعيد عمر بن غرامة العمري، ج ٤٢، ص ١٣٢. بيروت: دار الفكر. چاپ، ١٩٩٥.

۲. علی بن ابی طالب داناترین امت بعد از پیامبر اکرم (ص) است

شیعه و سنی این روایت را نقل نموده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «أَعْلَمُ أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ»^(۱)، داناترین امت من بعد از من علی بن ابی طالب (ع) است.

این روایت مشابه، مضمون حدیث اولی است جز این که اعلمیت حضرت علی (ع) به صورت عام ذکر شده است، تا کسی تصور نکند که حضرت علی (ع) فقط در زمان حضرت پیامبر (ص) داناترین مردم بوده نه پس از آن و در آینده امکان دارد که دیگران از نظر دانش اعلم و یا در مرتبه‌ی مساوی او باشند. طبق این روایت امام علی (ع) داناترین مردمان است تا قیامت.

۳. علی (ع) مخزن علم پیامبر اکرم (ص) است

جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید که رسول خدا (ص) فرمودند: «رَجُلٌ لَحْمُهُ لَحْمِي وَ دَمُهُ دَمِي وَهُوَ عَيْبَةُ الْعِلْمِ»^(۲)؛ گوشت او گوشت من است، خون او خون من است و او مخزن علم من است.

۴. امام علی (ع) در قضاوت از همه داناتر است

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «أَفْضَلُكُمْ وَأَعْلَمُكُمْ وَأَقْضَاكُمْ عَلِيٌّ»^(۳) فاضل‌ترین و عالم‌ترین و بهترین قضاوت کننده بین شما علی است.

۱. الدیلمی الهمذانی، شیرویه بن شهردار. لفردوس بمأثور الخطاب. تحقیق: السعید بن بسیونی زغلول، ج ۱، ص ۳۷۰. بیروت: دار الکتب العلمیة. چاپ اول، ۱۴۰۶ هـ.

السیوطی، جلال‌الدین عبد الرحمن. جامع الاحادیث (الجامع الصغیر وزوائده والجامع الکبیر)، ج ۱، ص ۴۹۱. الهمذانی، علاء‌الدین علی المتقی. کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال. تحقیق: محمود عمر الدمیاطی، ج ۱۱، ص ۲۸۲، ح ۳۲۹۷۷. بیروت: دار الکتب العلمیة ... چاپ اول، ۱۴۱۹ هـ.

ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی (للسدوق)، ص ۱۳. تهران: کتابچی. چاپ: ششم، ۱۳۷۶ ش.

۲. طبری آملی، عماد‌الدین ابی جعفر محمد بن ابی القاسم. بشارة المصطفی لشیعة المرتضی (ط - القديمة)، ص ۶۵. نجف: المکتبه الحیدریه. چاپ: دوم، ۱۳۸۳ ق.

مفید، محمد بن محمد. الأمالی (للمفید). تحقیق: استاد ولی حسین و غفاری، علی اکبرف ص ۷۷. قم: کنگره شیخ مفید. چاپ: اول، ۱۴۱۳ ق.

۳. ابن شاذان قمی، أبو الفضل شاذان بن جبرئیل. الفضائل (لابن شاذان القمی)، ص ۱۳۸. قم: رضی. چاپ: دوم، ۱۳۶۳ ش.

۵. نهدهم علم و حکمت به علی (ع) داده شده است

شیعه و سنی به اتفاق این حدیث را از عبدالله بن مسعود نقل نموده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «قُسِمَتِ الْحِكْمَةُ عَلَى عَشْرَةِ أَجْزَاءٍ فَأُعْطِيَ عَلَى تِسْعَةٍ وَ النَّاسُ جُزْءاً وَاحِداً» (۱)، حکمت و دانش به ده جزء تقسیم شده است و به علی نه قسمت آن و به مابقی مردم یکدهم داده شده است.

در بعضی نسخه‌ها این حدیث این گونه نقل شده است:

«قُسِمَتِ الْحِكْمَةُ عَلَى عَشْرَةِ أَجْزَاءٍ فَأُعْطِيَ عَلَى تِسْعَةٍ وَ النَّاسُ جُزْءاً وَاحِداً وَعَلِيَُّ أَعْلَمُ بِالْوَاحِدِ مِنْهُمْ» (۲)؛ حکمت و دانش به ده جزء تقسیم شده است و به علی نه قسمت آن و به مابقی مردم یکدهم داده شده است و علی در همان سهم مشترک با مردم نیز برتری دارد.

نتیجه این می شود که تمامی علوم بشری و پیشرفت‌های آن جزء همان یکدهم است و علم علی (ع) نه برابر دانش تمامی بشریت بوده و است.

باید به این نکته توجه نمود کسی که می گوید علی داناترین مردم است، سخنش سخن خدا است، کلامش جز وحی نیست: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ، إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» (۳)؛ از روی هوا و هوس سخن

جزائری، نعمت الله بن عبد الله. رياض الأبرار في مناقب الأئمة الأطهار، ج ۲، ص ۶۵. بيروت: چاپ: اول، ۱۴۲۷ ق- ۲۰۰۶ م.
 ۱. اربلی، علی بن عیسی. كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة)، ج ۱، ص ۱۱۳. تبریز: بنی هاشم. چاپ: اول، ۱۳۸۱ ق.
 الشافعی، أبی القاسم علی بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله. تاریخ مدينة دمشق وذكر فضلها وتسمية من حلها من الأماثل. تحقیق: محب الدین أبی سعید عمر بن غرامة العمري، ج ۴۲، ص ۳۸۵. بیروت: دار الفکر. چاپ، ۱۹۹۵.
 ابن الجوزی، عبد الرحمن بن علی. العلل المتناهية في الأحاديث الواهية. تحقیق: خليل الميس، ج ۱، ص ۲۴۱. بیروت: دار الکتب العلمية. چاپ اول، ۱۴۰۳.

الذهبي، شمس الدين محمد بن أحمد. ميزان الاعتدال في نقد الرجال. تحقیق: الشيخ علی محمد معوض والشيخ عادل أحمد عبدالموجود، ج ۱، ص ۲۲۶. بیروت: دار الکتب العلمية. چاپ اول، ۱۹۹۵.

۲. السيوطي، جلال الدين عبد الرحمن. جامع الاحاديث (الجامع الصغير وزوائده والجامع الكبير)، ج ۱۲، ص ۸۷، ح ۱۸۴.
 الهندي، علاء الدين علی المتقي. كنز العمال في سنن الأفعال والأفعال. تحقیق: محمود عمر الدمياطي، ج ۱۱، ص ۲۸۲، ح ۳۲۹۸۲.
 بیروت: دار الکتب العلمية ... چاپ اول، ۱۴۱۹ هـ.

۳. سورة نجم، (۵۳)، آیه ۳ و ۴.

نمی‌گوید، بلکه هر چه می‌گوید وحی است که به او وحی می‌شود. او کسی است که علماً و عملاً معصوم است، زیرا خدای سبحان خطاب به او فرمود: «إِنَّكَ لِمَنْ أُرْسِلِينَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»^(۱)؛ البته تو از پیمبران خدایی و بر صراط مستقیم هستی. کسی بر صراط مستقیم است که مصون از خطا و اشتباه باشد. او بنده مخلص خدا است شیطان بر او راه ندارد، به اعتراف خود شیطان که می‌گوید، همه بندگان را گمراه می‌کنم، مگر آن دسته از بندگان که پاک و خالص باشند: «إِلَّا عِبَادِكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ»^(۲).

دانش امام علی (ع) از دیدگاه امام علی (ع)

امام علی (ع) بعضی از گوشه‌های فضائل خود را معرفی نموده است و از دانش خود این گونه سخن گفته است:

«إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) عَلَّمَنِي أَلْفَ بَابٍ مِنَ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ وَمِمَّا كَانَ وَمَا هُوَ كَائِنٌ إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كُلُّ بَابٍ مِنْهَا يَفْتَحُ أَلْفَ أَلْفِ بَابٍ حَتَّىٰ عِلْمْتُ عِلْمَ الْمَنَائِيَا وَالْبَلَايَا وَفَصَلَ الْخُطَابِ»^(۳)؛ اصبع بن نباته می‌گوید: از امام علی (ع) شنیدم که فرمودند رسول خدا (ص) هزار باب از حلال و حرام و آنچه بوده و تا روز قیامت هست به من آموخت که از هر باب آن هزار باب گشوده می‌شود تا برسد به علم منایا (مرگ و میر) و بلایا (گرفتاری‌ها و حوادث) و احکام حق الهی.

^۱. سوره، یس (۳۶)، آیه ۳ و ۴.

^۲. سوره حجر، (۱۵)، آیه ۴۰.

^۳. صفار، محمد بن حسن. بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیه. تحقیق: کوچه باغی، محسن بن عباسعلی، ج ۱، ص ۳۰۵. قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی. چاپ: دوم، ۱۴۰۴ ق.

ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال. تحقیق: غفاری، علی اکبر، ج ۲، ص ۶۴۳. قم: جامعه مدرسین. چاپ: اول، ۱۳۶۲ ش. مفید، محمد بن محمد. الإختصاص. تحقیق: غفاری، علی اکبر و محرمی زرنندی، محمود، ص ۲۸۳. قم: المؤتمر العلمی لآل‌الشیخ المفید. چاپ: اول، ۱۴۱۳ ق.

ابان از سلیم روایت نموده است که حضرت علی علیه السلام فرمودند: «وقد علموا انی أعلمهم بکتاب الله وسنة نبیه (ص) وافقههم واقراصهم بحکم الله» (۱)؛ آن‌ها می‌دانستند که عالم‌ترین امت به کتاب خدا و سنت پیامبر او هستم و داناترین و فقیه‌ترین ایشان، بصیرترین آن‌ها به قرائت قرآن و عارف‌ترین آن‌ها در قضاوت‌ها به حکم خدا هستم.

ابن عساکر در تاریخ دمشق و دیگران این روایت را از امام علی (ع) نقل کرده است:

«یاأیها الناس سلونی فإنکم لا تجدون أحدا بعدی هو أعلم بما تسألونی منی ولا تجدون أحدا أعلم بما بین اللوحین منی فسلونی»، (۲)؛ ای مردم از من پرسید زیرا بعد از من کسی را نمی‌یابید که داناتر از من باشد در مورد آنچه می‌پرسید، کسی را نمی‌یابید که داناتر از من باشد به آنچه میان دو لوح است، پس از من پرسید.

سید رضی این‌گونه نقل نموده است:

«أیها الناس سلونی قبل أن تفقدونی فلأنا بطرق السماء أعلم منی بطرق الأرض» (۳)؛ ای مردم پیش از آن‌که از میان بروم و مرا نیابید، آنچه می‌خواهید از من پرسید، که من راه‌های آسمان را بهتر از راه‌های زمین می‌شناسم.

طبری به نقل از اصبع بن نباته می‌نویسد که حضرت علی (ع) خطاب به مردم کوفه فرمودند:

«أیها الناس سلونی فإن بین جوائجی علماً جمّاً» (۴)؛ ای مردم، از من پرسید زیرا در اطراف و جوانب من علم بسیار است.

۱. هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس الهلالی. تحقیق: انصاری زنجانی خوئینی، محمد، ج ۲، ص ۶۹۹. ایران؛ قم: چاپ: اول، ۱۴۰۵ ق.

۲. الشافعی، ابی القاسم علی بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله. تاریخ مدینة دمشق. تحقیق: محب الدین ابی سعید عمر بن غرامة العمری، ج ۴۲، ص ۳۹۸ بیروت: دار الفکر. چاپ، ۱۹۹۵.

المرعشی، شرح إحقاق الحق. تحقیق: السید شهاب الدین المرعشی النجفی، ج ۱۷، ص ۴۸۴. قم: منشورات مکتبة آية الله العظمی المرعشی النجفی. چاپ، ۱۴۰۴ ق.

۳. شریف الرضی، محمد بن حسین. نهج البلاغة (للصبحی صالح)، خطبه ۲۳۱ ص ۲۸۰. قم: نشر هجرت. چاپ: اول، ۱۴۱۴ ق.

و هب بن عبدالله از ابی طفیل روایت نموده است که حضرت علی (ع) خطاب به مردم کوفه فرمودند:

«سَلُونِي فَوَاللَّهِ لَأَسْأَلُونَنِي عَنْ شَيْءٍ يَكُونُ إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا حَدَّثْتُكُمْ بِهِ وَ سَلُونِي عَنْ كِتَابِ اللَّهِ فَوَاللَّهِ مَا مِنْهُ آيَةٌ إِلَّا وَ أَنَا أَعْلَمُ أَيْنَ نَزَلَتْ - بَلِيلٍ أَوْ بِنَهَارٍ أَوْ بِسَهْلٍ نَزَلَتْ أَوْ فِي جَبَلٍ» (١)؛ ای مردم کوفه! از من سؤال کنید، به خدا سوگند! درباره هر چیزی که از حالا تا قیامت مسائله‌اش را پرسید، خبرش را به شما می‌دهم. ای مردم! از کتاب خدا، قرآن، پرسید، آیه‌ای نیست مگر این که می‌دانم کجا و کی و چگونه و بر چه کسی و برای چه چیزی نازل شده و آیا در کوه یا در دشت نازل شده است.

این حدیث را باکمی تفاوت علمای اهل سنت نیز نقل نموده است:

۱. تفسیر الصنعانی ج ۳ ص ۲۴۱، اسم المؤلف: عبد الرزاق بن همام الصنعانی الوفاة: ۲۱۱، دار النشر: مكتبة الرشد - الرياض - ۱۴۱۰، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. مصطفى مسلم محمد.
۲. الطبقات الكبرى ج ۲ ص ۳۳۸، اسم المؤلف: محمد بن سعد بن منيع أبو عبدالله البصري الزهري الوفاة: ۲۳۰، دار النشر: دار صادر - بيروت.
۳. أنساب الأشراف ج ۱ ص ۳۳۸، اسم المؤلف: أحمد بن يحيى بن جابر البلاذري (المتوفى: ۲۷۹ هـ) الوفاة: ۲۷۹، دار النشر: ر.
۴. الإتيان في علوم القرآن ج ۴ ص ۴۹۳، اسم المؤلف: جلال الدين عبد الرحمن السيوطي الوفاة: ۹۱۱/۵/۱۹ هـ، دار النشر: دار الفكر - لبنان - ۱۴۱۶ هـ - ۱۹۹۶ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: سعيد المنذوب.

علامه قند وزی این حدیث را از امام علی (ع) نقل نموده است: «سلوني عن اسرار الغيوب فاني وارث علوم الأنبياء و المرسلين» (٢)؛ درباره اسرار غیب‌ها از من پرسید که من وارث علوم انبیاء و مرسلین هستم

١. طبرسی، احمد بن علی. الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)، ج ۱، ص ۲۵۹. مشهد: نشر مرتضی. چاپ: اول، ۱۴۰۳ ق.

٢. حسکانی، عبید الله بن عبد الله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل. تحقیق: محمودی، محمد باقر، ج ۱، ص ۴۲. تهران: التابعة لوزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامي، مجمع إحياء الثقافة الإسلامية. چاپ: اول، ۱۴۱۱ ق.

صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم. تحقیق: کوجه باغی، محسن بن عباسعلی، ج ۱، ص ۲۲۳. ایران؛ قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی چاپ: دوم، ۱۴۰۴ ق.

٣. القندوزی، ینابیع المودة لذوی القربی. تحقیق: سید علی جمال أشرف الحسینی، ج ۱، ص ۲۱۳. ناشر: دار الأسوة للطباعة والنشر. چاپ: الأولى: ۱۴۱۶.

حضرت علی (ع) موضوع سؤال را محدود نمی‌کند یعنی از هر موضوعی که می‌خواهید از من بپرسید از زمین و آسمان از شرق و غرب عالم، از گذشته و حال و آینده، از ظاهر و باطن اشیا که بعد از من دیگر چنین کسی را نمی‌یابید.

امام علی علیه‌السلام در سخن دیگر فرمودند: «والله إني لأخوه ووليه و ابن عمه و وارث علمه...»^(۱)؛ قسم به خدا من برادر و جانشین و پسرعم و وارث علم رسول خدا صلی الله علیه و آله هستم.

از این روست اشخاص منصف و آزاداندیش مثل جر جرداق مسیحی آرزو می‌کند: «ای روزگار چه می‌شد که اگر هر چه قدرت و قوه ای داری به کار می‌بردی و در هر زمان یک علی باعقلش، با قلبش، با آن زبانش و با آن ذوالفقارش، به عالم می‌بخشیدی؟»^(۲).

من می‌گویم: روزگار کوچک‌تر و ناتوان‌تر از آن است که شخصیت مانند علی را به عالم ببخشد، اما ای خدای بزرگ چه می‌شد که تو علی را با آن عظمت و قدرتت برای همیشه نگه می‌داشتی و یا مثل او را به عالم می‌بخشیدی، علی که هدیه‌ی تو به بشریت بود، علی که مظهر قدرت، عظمت و رحمت تو بود؟ ولی شاید به این خاطر بود که بشر لیاقت او را نداشت، نه می‌توانست او را درک کند و بشناسد و از این نعمت بزرگ محافظت و نگهداری کند و یا به این خاطر بود که او را از غم و رنج رهای بخشیدی تا دیگر تاریکی شب و چاه را هم صحبت خود قرار ندهد و به خاطر ظلم و ستم و بی‌عدالتی خار در چشم و استخوان در گلو نباشد،^(۳).

المرعشی، سیدنور الله الحسینی. شرح إحقاق الحق. تحقیق: السید شهاب الدین المرعشی النجفی، ج ۷، ص ۲۱۳. قم: منشورات مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی.

^۱. المروائی، أبو عبد الله محمد بن وضاح بن بزيع. البدع، ج ۱، ص ۱۴۵.

الحاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله. المستدرک علی الصحیحین. تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ج ۳، ص ۱۳۶، ح ۴۶۳۵. بیروت: دار الکتب العلمیة. چاپ اول، ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۰ م.

الیعقوبی، أحمد بن أبی یعقوب بن جعفر بن وهب بن واضح. تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۱۷۱. بیروت: دار صادر.

^۲. جرج جرداق مسیحی لبنانی. صوت العدالة الانسانیة، ج ۱، ص ۲۳ و ۲۴.

^۳. شریف الرضی، محمد بن حسین. نهج البلاغة (للصباحی صالح)، خطبه ۳ ص ۴۸. قم: نشر هجرت. چاپ اول، ۱۴۱۴ ق

بنابراین به اعتقاد شیعه و سنی علی علیه السلام داناترین مردمان است، زیرا از نظر شیعه امام علی (ع) معصوم است و سخنش حجت است. از نظر اهل سنت امام علی (ع) صحابه پیامبر است و قول صحابه حجت است.

دانش امام علی (ع) از دیدگاه صحابه

۱. امام حسن (ع) فرمود: علی (ع) از نظر دانش بی همتا بود.

این حدیث را شیعه و سنی با آسانید صحیح نقل نموده است که امام حسن علیه السلام بعد از شهادت امام علی علیه السلام خطاب به مردم کوفه فرمودند:

«...فَارَقَكُم بِالْأَمْسِ رَجُلٌ مَا سَبَقَهُ الْأَوَّلُونَ بِعِلْمٍ وَلَا يُدْرِكُهُ الْآخِرُونَ»^(۱)؛ حقا که دیروز مردی از میان شما رفت که در دانش، پیشینیان بر او پیشی نگرفتند و پسینیان به او نمی‌رسند.

۲. ابن عباس می‌گوید: داناتر از علی ندیدم: «فقال ابن عباس: ما رأيت أروى من عمر، ولا أعلم من علي»^(۲)؛ ابن عباس گفت: من روای تر از عمر و داناتر از علی ندیدم.

این عباس در روایت دیگر می‌گوید: «عَلِمِي بِالْقُرْآنِ فِي عِلْمِ عَلِيٍّ كَالْقَرَارَةِ فِي الْمُتَعَجَّرِ»^(۱)؛ دانش من به قرآن در برابر دانش علی علیه السلام مانند حوض کوچکی است در ژرف دریا.

۱. الشیبانی، أحمد بن حنبل أبو عبدالله. مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۱، ص ۱۹۹، ح ۱۰۲۰. مصر: مؤسسة قرطبة.

الکوفی، أبو بکر عبد الله بن محمد بن أبي شيبة. مصنف ابن أبي شيبة. تحقيق: كمال يوسف الحوت، ج ۶، ص ۳۷۱، ح ۳۲۱۱۰. الرياض: مكتبة الرشد. چاپ اول، ۱۴۰۹.

الشیبانی، أحمد بن حنبل أبو عبدالله. فضائل الصحابة لابن حنبل. تحقيق: د. وصی الله محمد عباس، ج ۱، ص ۵۴۸، ح ۹۲۲ و ۱۰۱۳. بيروت: مؤسسة الرسالة. چاپ اول، ۱۴۰۳ - ۱۹۸۳.

الطبرانی، سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم. المعجم الكبير. تحقيق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي، ج ۳، ص ۷۹، ح ۲۷۱۹. الموصل: مكتبة الزهراء. چاپ دوم، ۱۴۰۴ - ۱۹۸۳.

۲. الآبي، أبو سعد منصور بن الحسين. نثر الدرر. تحقيق: خالد عبد الغني محفوظ، ج ۱، ص ۲۹۱. بيروت: دار الكتب العلمية. چاپ اول، ۱۴۲۴ هـ - ۲۰۰۴ م.

البغدادی، عبد القادر بن عمر. خزنة الأدب ولب لباب لسان العرب. تحقيق: محمد نبيل طريفي/اميل بدیع اليعقوب، ج ۵، ص ۳۰۸. بيروت: دار الكتب العلمية. چاپ اول، ۱۹۹۸ م.

ابن عباس در روایت دیگر می‌گوید: «وما علمی و علم أصحاب محمد فی علم علی إلا کقطرة من سبعة أبحر»^(۲)؛ علم من و علم صحابه در مقابل علم علی مانند قطره آبی در هفت دریاست.

ابن عباس در روایت دیگر می‌گوید: «أعطی علی تسعة أعشار العلم وأنه لأعلمهم بالعشر الباقي»^(۳)؛ نه قسمت علم به علی داده شده است و یک قسم به مابقی مردم داده شده است و علی در همان قسم نیز برتری دارد.

ابن اثیر این حدیث را این‌گونه نقل نموده است: «أعطی علی تسعة أعشار العلم و والله لقد شاركهم فی العشر الباقي»^(۴)؛ به خدا که نهم دانش به علی پسر ابوطالب داده شد و به خدا سوگند که در یک‌دهم آن‌هم با شما شریک است.

۳. عبدالله بن مسعود گفت: بعد از پیامبر اسلام (ص) علی داناترین امت است.

«علی أعلم هذه الأمة بعد نبینا»^(۵).

۴. سعد بن ابی وقاص گفت: علی داناترین مردم است.

۱. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، ج ۵۴، ص ۴۰. بیروت: دار احیاء التراث العربی. چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق.

العاملی النباطی البیاضی، علی بن یونس. الصراط المستقیم. تحقیق: محمد الباقر البهبودی، ج ۱، ص ۱۶۶. ناشر: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية. چاپ: الأولى، ۱۳۸۴.

الزمخشري. الفایق فی غریب الحدیث، ج ۳، ص ۸۶. بیروت: دار الکتب العلمیة. چاپ: الأولى، ۱۴۱۷ - ۱۹۹۶ م.

۲. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی. مناقب آل أبی طالب علیهم السلام (لابن شهر آشوب)، ج ۲، ص ۳۰. قم: علامه. چاپ: اول، ۱۳۷۹ ق.

ابن طاووس، علی بن موسی. طرف من الأنباء و المناقب، ص ۲۶۵. مشهد، چاپ: اول، ۱۴۲۰ ق.

۳. الشیرازی أبو إسحاق، إبراهيم بن علی بن یوسف. طبقات الفقهاء. تحقیق: خلیل المیس، ج ۱، ص ۲۳. بیروت: دار القلم.

۴. الجزری، عز الدین بن الأثیر أبی الحسن علی بن محمد. اسد الغابة. تحقیق: عادل أحمد الرفاعی، ج ۴، ص ۱۰۹. بیروت: دار إحياء التراث العربی. چاپ اول، ۱۴۱۷ هـ - ۱۹۹۶ م.

۵. القندوزی، سلیمان ابن ابراهیم. ینابیع المودة لذوی القربی. تحقیق: سید علی جمال أشرف الحسینی، ج ۲، ص ۷۷۳. ناشر: دار الأسوة للطباعة والنشر. چاپ: الأولى، ۱۴۱۶.

المرعشی، سید نور الله الحسینی. شرح إحقاق الحق. تحقیق: السید شهاب الدین المرعشی النجفی، ج ۱۵، ص ۳۹۹. قم: منشورات مكتبة آية الله العظمى المرعشى النجفی.

سعد بن ابی وقاص خطاب به فردی که به علی علیه السلام ناسزا می گفت، فرمود: «ألم يكن أول من أسلم ألم يكن أول من صلى مع رسول الله صلى الله عليه وسلم ألم يكن أزهد الناس ألم يكن أعلم الناس»^(۱)؛ مگر علی اولین مسلمان نبود، مگر او اولین کسی نبود با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نماز خواند، مگر علی زاهدترین مردم نبود، مگر علی داناترین مردم نبود.

۵. مقداد بن عمرو و ابوذر گفتند: علی داناتری و فقه‌ترین مردم در دین خدا است.

«وفيهم أول المؤمنين وابن عم رسول الله أعلم الناس وافقهم في دين الله وأعظمهم غناء في الإسلام وأبصرهم بالطريق وأهداهم للصراط المستقيم»^(۲)؛ در میان اهل بیت پیامبر (ص) علی پسرعم رسول الله (ص) اولین کسی بود که ایمان آورد، او داناترین و فقه‌ترین مردم در دین خدا است، او بزرگ‌ترین آن‌ها است از نظر آگاهی در اسلام، بیناترین آن‌ها است بر راه‌ها و هدایت‌کننده‌ترین است بر صراط مستقیم.

۶. عمر بن الخطاب گفت: علی داناترین و برترین اصحاب پیامبر اکرم (ص) است.

عمر بن خطاب اصحاب پیامبر (ص) را جمع نمود و به علی اشاره کرد و گفت: «أنت أعلمهم وأفضلهم»^(۳)؛ تو داناترین و برترین صحابه پیامبر هستی.

۷. الولید بن جابر بن ظالم گفت: علی عالم‌ترین مردم بود.

^۱ الحاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله أبو عبدالله. المستدرک علی الصحیحین. تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ج ۳، ص ۵۷۱، ح ۶۱۲۱. بیروت: دار الکتب العلمیة. چاپ اول، ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۰ م.

القاضی النعمان المغربی، شرح الأخبار. تحقیق: السید محمد الحسینی الجلالی، ج ۲، ص ۵۱۷. قم: مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة.

^۲ الیعقوبی، أحمد بن أبی یعقوب بن جعفر بن وهب بن واضح. تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۱۶۳. بیروت: دار صادر.

^۳ الشیرازی أبو إسحاق، إبراهيم بن علی بن یوسف. طبقات الفقهاء. تحقیق: خلیل المیس، ج ۱، ص ۲۳. بیروت: دار القلم.

السید المرعشی. شرح إحقاق الحق. تحقیق: السید محمود المرعشی، ج ۳۱، ص ۴۷۱. قم: منشورات مکتبة آية الله العظمى المرعشی النجفی. چاپ اول، ۱۴۱۷.

الولید بن جابر بن ظالم، خطاب به معاویه فرمود: «وكان أول الناس سلماً وأرجحهم حليماً وأكثرهم علماً»^(۱)؛ علی (ع) اولین مسلمان، بردبارترین مردمان و عالم‌ترین آنها بود.

۸. قبیصه بن جابر گفت: کسی رانندیدم که به وسعت علم علی داشت باشد.

ابو حیان توحیدی روایت نموده: «قال قبيصة بن جابر: ولا رأيت أحداً أشجع قلباً ولا أوسع علماً من علي بن أبي طالب»^(۲)؛ قبیصه ابن جابر گفت: کسی رانندیدم که از نظر شجاعت دلیرتر و از نظر علم وسیع‌تر از علی بن ابی‌طالب باشد.

۹. عطاء بن ابی رباح گفت: در میان اصحاب کسی داناتر از علی نبود.

«حدثنا عبدة بن سليمان عن عبد الملك بن أبي سليمان قال قلت لعطاء كان في أصحاب رسول الله صلى الله عليه وسلم أحد أعلم من علي قال لا والله ما أعلمه»^(۳)؛ عبدالمملک بن ابی سلیمان می‌گوید از عطاء سؤال نمودم که در میان اصحاب پیامبر (ص) کسی از علی داناتر بود، گفت قسم به خدا کسی داناتر از او نبود.

۱۰. خزیمه بن ثابت الأنصاری ذو الشهادتین، گفت: علی داناترین مردم به خدا است.

او که از بزرگان صحابه و مشهور به ذو الشهادتین است، خطاب به امیر مؤمنان علی (ع) می‌گوید:

^۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة لابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص ۱۳۰. - قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی. چاپ: اول، ۱۴۰۴ ق.

مفید، محمد بن محمد. الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۱، ص ۴۶. قم: کنگره شیخ مفید. چاپ: اول، ۱۴۱۳ ق.
^۲. التوحیدی، أبو حیان علی بن محمد بن العباس. البصائر والذخائر، تحقیق: د.وداد القاضی، ج ۶ ص ۲۴۴. بیروت: دار صادر. چاپ چهارم، ۱۴۱۹ هـ-۹۹۹ م.

^۳. الکوفی، أبو بکر عبد الله بن محمد بن ابی شیبیه. مصنف ابن ابی شیبیه. تحقیق: کمال یوسف الحوت، ج ۶، ص ۳۷۱، ش ۳۲۱۰۹. الرياض: مکتبه الرشد. چاپ اول، ۱۴۰۹.

الشیرازی أبو إسحاق، إبراهيم بن علی بن یوسف. طبقات الفقهاء. تحقیق: خلیل المیس، ج ۱، ص ۲۳. بیروت: دار القلم.

«فأنت أقدام الناس إيماناً وأعلم الناس بالله وأولى المؤمنين برسول الله»^(۱)؛ تو اولین کسی هستی که به خدا و رسولش ایمان آوردی و تو داناترین کس به خدا هستی.

۱۱. عبدالله بن حجل می‌گوید: ای علی تو داناترین ما به پروردگار هستی.

«أنت أعلمنا برينا وأقربنا بنينا، وخيرنا في ديننا»^(۲)؛ ای علی تو داناترین ما به پروردگار ما و نزدیک‌ترین ما به پیامبر ما و بهترین ما در دین ما هستی.

۱۲. عایشه می‌گوید: علی داناترین صحابه به سنت است.

«عن عائشة قالت علي بن أبي طالب أعلمكم بالسنة»^(۳)؛ از عایشه نقل است که گفت: علی ابن ابی‌طالب داناترین شما به سنت است.

حاکم حسکانی این حدیث را این‌گونه نقل نموده است: «عن عائشة قالت: علي أعلم أصحاب محمد بما أنزل علي محمد صلى الله عليه وسلم»^(۴).

سیوطی این حدیث را این‌گونه نقل نموده است: «أخرج عن عائشة رضي الله عنها أن علياً ذكر عندها فقالت أما إنه أعلم من بقي بالسنة»^(۱)؛ نزد عایشه از امام علی سخن به میان آمد، عایشه گفت: اما او (علی) داناترین شخص نسبت به دیگران به سنت است.

۱. اليعقوبي، أحمد بن أبي يعقوب بن جعفر بن وهب بن واضح. تاريخ اليعقوبي، ج ۲، ص ۱۷۹. بيروت: دار صادر.

۲. الدينوري، ابن قتيبة. الامامة والسياسة. تحقيق: طه محمد الزيني، ج ۱ ص ۱۰۰. ناشر: مؤسسة الحلبي وشركاه للنشر والتوزيع.

أحمد زكي صفوت. جمهرة خطب العرب. تحقيق: بلا، ج ۱، ص ۳۸۰. بيروت: المكتبة العلمية.

۳. الجرجاني، عبدالله بن عدی بن عبدالله بن محمد أبو أحمد. الكامل في ضعفاء الرجال. تحقيق: يحيى مختار غزاوي، ج ۷، ص ۲۳۶. بيروت: دار الفكر چاپ اول، ۱۴۰۹ - ۱۹۸۸.

الشافعي، أبي القاسم علي بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله. تاريخ مدينة دمشق وذكر فضلها وتسمية من حلها من الأماثل دمشق. تحقيق: محب الدين أبي سعيد عمر بن غرامة العمري، ج ۴۲، ص ۴۰۸. بيروت: دار الفكر. چاپ، ۱۹۹۵.

۴. الحاكم الحسكاني، شواهد التنزيل لقواعد التفضيل. تحقيق: الشيخ محمد باقر المحمودي، ج ۱، ص ۴۵، ح ۴۰.

ناشر: مؤسسة الطبع والنشر التابعة لوزارة الثقافة والإرشاد الإسلامي - مجمع إحياء الثقافة الإسلامية. چاپ، ۱۴۱۱ - ۱۹۹۰ م

۱۳. عبدالله بن عمر می گوید: علی داناترین مردم است بر آنچه بر محمد (ص) نازل شده است.

«قال ابن عمر: علی اعلم الناس بما أنزل الله علی محمد» (۲).

۱۴. عبدالله بن مسعود می گوید: علم ظاهر و باطن قرآن در نزد علی بن ابی طالب است.

«عن عبدالله بن مسعود قال إن القرآن أنزل علی سبعة أحرف ما منها حرف إلا له ظهر وبطن وإن علیا بن أبی طالب عنده علم الظاهر والباطن» (۳)؛ عبدالله بن مسعود می گوید: قرآن بر هفت حرف نازل شده است و هیچ حرفی نیست مگر این که ظاهر و باطنی دارد، علی (ع) عالم به ظاهر و باطن قرآن است.

۱۵. عامر بن شراحیل الشعبی می گوید: هیچ کسی از امت پیامبر داناتر از علی (ع) نیست نسبت بر آنچه بر پیامبر اکرم (ص) نازل شده است.

«عن الشعبی قال: ما كان أحد من هذه الأمة أعلم بما بين اللوحين وبما أنزل علی محمد من علی» (۴).

۱۶. ابوذر غفاری می گوید: علی (ع) وارث علم پیامبر اکرم (ص) است.

«ومحمد وارث علم آدم وما فضل به النبيون وعلی بن أبی طالب وصی محمد و وارث علمه» (۵)؛ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم وارث علم آدم و آنچه پیامبران به آن افزوده اند، علی بن ابی طالب وصی محمد (ص) و وارث علم او است.

۱. السیوطی، عبد الرحمن بن أبی بکر. تاریخ الخلفاء. تحقیق: محمد محی الدین عبد الحمید، ج ۱، ص ۱۷۱. مصر: مطبعة السعادة. چاپ اول، ۱۳۷۱ هـ - ۱۹۵۲ م.

الشافعی، أبی القاسم علی بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله. تاریخ مدینة دمشق وذكر فضلها وتسمية من حلها من الأماثل دمشق. تحقیق: محب الدین أبی سعید عمر بن غرامة العمری، ج ۴۲ ص ۴۰۷. بیروت: دار الفکر. چاپ، ۱۹۹۵ م.

۲. الحاکم الحسکانی. شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تحقیق: الشیخ محمد باقر المحمودی، ج ۱، ص ۳۹، ح ۲۹.

۳. الأصبهانی، أبو نعیم أحمد بن عبد الله. حلیة الأولیاء، ج ۱، ص ۶۵. بیروت: دار الکتب العربی. چاپ چهارم، ۱۴۰۵ هـ.

الشافعی، أبی القاسم علی بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله. تاریخ مدینة دمشق وذكر فضلها وتسمية من حلها من الأماثل دمشق. تحقیق: محب الدین أبی سعید عمر بن غرامة العمری، ج ۴۲ ص ۴۰۰. بیروت: دار الفکر. چاپ، ۱۹۹۵ م.

المناولی، عبد الرؤوف. فیض القدر، ج ۳، ص ۴۶. مصر: المكتبة التجارية الكبرى. چاپ اول، ۱۳۵۶ هـ.

۴. الحاکم الحسکانی. شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تحقیق: الشیخ محمد باقر المحمودی، ج ۱، ص ۴۹.

۱۷. مالک اشتر می‌گوید: علی (ع) وارث علم انبیاء بزرگ است.

«فقال أيها الناس هذا وصي الأوصياء ووارث علم الأنبياء العظيم»^(۲).

۱۸. عدی بن حاتم می‌گوید: علی داناترین مردم به قرآن و سنت است.

«والله لئن كان إلى العلم بالكتاب والسنة إنه لأعلم الناس بهما ولئن كان إلى الإسلام إنه لأخو نبي الله والرأس في الإسلام ولئن كان إلى الزهد والعبادة إنه لأظهر الناس زهدا وأنهكهم عبادة ولئن كان إلى العقول والنحائر إنه لأشد الناس عقلا وأكرمهم نحيزة...»^(۳)؛ به خدا سوگند! اگر دانش به قرآن و سنت باشد، علی داناترین مردم به قرآن و سنت است و اگر دانش به اسلام باشد، علی برادر پیامبر خدا و در اسلام نخستین است و اگر به پارسایی و پرهیزکاری باشد، علی برجسته‌ترینشان در پارسایی و استوارترینشان در عبادت است و اگر به خردمندی و نکوسرشتی باشد، علی در خرد، خردمندترین مردم و در سرشت، گرامی‌ترینشان است...

۱۹. هشام بن عتیبه می‌گوید: علی (ع) فقیه‌ترین کس به دین خدا است. «فهو أول من صلى مع رسول الله، وأفقهه في دين الله، وأولاه برسول الله»^(۴)

او نخستین کسی است که با فرستاده خدا (ص) نماز خواند، فقیه‌ترین کس به دین خدا و سزاوارترین کس به فرستاده‌ی خدا (ص) است.

۲۰. سعید بن المسیب می‌گوید: «لم يكن أحد من الصحابة يقول (سلوني) إلاّ عليّ بن أبي طالب»^(۵)؛ هیچ‌یک از صحابه نمی‌گفت که (هر چه می‌خواهید) از من بپرسید مگر علی بن ابی‌طالب.

۱. اليعقوبي، أحمد بن أبي يعقوب بن جعفر بن وهب بن واضح. تاريخ اليعقوبي، ج ۲، ص ۱۷۱. بيروت: دار صادر.

۲. همان، ج ۲، ص ۱۷۹.

۳. أحمد زكي صفوت. جمهرة خطب العرب. تحقيق: بلا، ج ۱، ص ۳۹۷. بيروت: المكتبة العلمية.

۴. المنقري، نصر بن مزاحم بن سيار. وقعة صفين. تحقيق وشرح: عبد السلام محمد هارون، ج ۱، ص ۳۵۵. مصر: المدنی. چاپ سومف

۱۳۸۲.

۵. الذهبي، شمس الدين محمد بن أحمد بن عثمان. تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير والأعلام. تحقيق: د. عمر عبد السلام تدمري، ج ۳،

ص ۶۳۸. بيروت: دار الكتاب العربي. چاپ اول، ۱۴۰۷ هـ - ۱۹۸۷ م.

۲۱. عبدالله می گوید: «إِنَّ أَعْلَمَ أَهْلِ الْمَدِينَةِ بِالْفَرَائِضِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ»^(۱)؛ عالم ترین اهل مدینه به مسائل ارث و کیفیت آن و محاسبه مقدار آن علی بن ابی طالب بوده است.

۲۲. شعبی می گوید: «مَا رَأَيْتُ أَفْرَضَ مِنْ عَلِيٍّ وَلَا أَحْسَبَ مِنْهُ»^(۲)؛ من از علی در علم مواریث و در کیفیت محاسبه آن، استادتر ندیده‌ام.

۲۳. مقداد ابن اسود می گوید: از قریش در شگفتی که امر رهبری را از اهل بیت پیامبر خویش دور کردند، درحالی که نخستین مؤمن، داناترین فرد به دین خدا و آگاه ترین افراد به طریق مستقیم؛ یعنی، پسرعموی پیامبر صلی الله علیه و آله در بین آنهاست^(۳).

گر چه این مختصر گنجایش آن را ندارد که به صورت تفصیلی تمام ابعاد دانش آن حضرت را بررسی نماید. امام علی علیه السلام در ابعاد مختلف علمی سرآمد روزگار است، مثل قضاوت، تفسیر، فلسفه، نحو، فصاحت و بلاغت، گیاه شناسی و طبابت، جانورشناسی، نجوم، برق و انرژی، تسلط بر زبانها، تاریخ، صنعت، عروض، هندسه...

السیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر. تاریخ الخلفاء. تحقیق: محمد محی الدین عبد الحمید، ج ۱، ص ۱۷۱. مصر: مطبعة السعادة. چاپ اول، ۱۳۷۱ هـ - ۱۹۵۲ م.

الهیثمی، أبو العباس أحمد بن محمد بن علی ابن حجر. الصواعق المحرقة علی أهل الرفض والضلال والزندقة. تحقیق: عبد الرحمن بن عبد الله التركي - کامل محمد الخراط، ج ۲، ص ۳۷۱. لبنان: مؤسسة الرسالة. چاپ اول، ۱۴۱۷ هـ - ۱۹۹۷ م.

۱. الشیبانی، أحمد بن حنبل أبو عبد الله. فضائل الصحابة. تحقیق: د. وصی الله محمد عباس، ج ۱، ص ۵۳۴، ح ۸۸۸. بیروت: مؤسسة الرسالة. چاپ اول، ۱۴۰۳ - ۱۹۸۳.

الشیرازی أبو إسحاق، إبراهيم بن علی بن یوسف. طبقات الفقهاء. تحقیق: خلیل المیس، ج ۱، ص ۲۳. بیروت: دار القلم.

الشافعی، أبی القاسم علی بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله. تاریخ مدینة دمشق وذكر فضلها وتسمية من حلها من الأماثل. تحقیق:

محب الدین أبی سعید عمر بن غرامة العمری، ج ۴۲، ص ۴۰۵. بیروت: دار الفکر. چاپ، ۱۹۹۵.

۲. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی. مناقب آل أبی طالب علیهم السلام (لابن شهر آشوب)، ج ۲، ص ۴۴. قم: علامه. چاپ: اول، ۱۳۷۹ ق.

۳. یعقوبی، احمد بن یعقوب (مترجم: آیتی). تاریخ یعقوبی (فارسی). تحقیق: ترجمه: دکتر محمد ابراهیم آیتی، ج ۲ ف ص ۵۴. چاپ دوم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

اما بدون تردید مطالب فوق طبق اعتقاد شیعه و سنی اثبات می‌کنند که علی علیه‌السلام داناترین مردمان است، زیرا اولاً: در نزد شیعه و سنی قول عادل و ثقه حجت است، بسیار از صحابه فوق عادل و ثقه است. ثانیاً: اعلمیت امام علی (ع) به صورت تواتر نقل شده است. ثالثاً: قول صحابه در نزد اهل سنت حجت است.

دانش امام علی (ع) از دیدگاه علماء

۱. ابو نعیم اصفهانی می‌گوید: علی بن ابی‌طالب بیشترین دانش را در بین صحابه داشت، «وَأَوْفَرَهُمَ عِلْمًا عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ»^(۱).

۲. خادمی حنفی می‌گوید: علی بن ابی‌طالب داناترین مردم است.

«اعْلَمَ أَنَّهُ اجْتَمَعَ فِي عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ كَمَالَاتٍ يَكَادُ أَنْ لَا تَجْتَمِعَ فِي غَيْرِهِ نَحْوَ كَوْنِهِ أَعْلَمَ النَّاسِ وَأَخْرَصَهُمْ عَلَى التَّعَلُّمِ»^(۲)؛ بدان که علی (ع) کمالاتی را دارد که در غیر او جمع نشده است مانند این صفت که او داناترین مردم است و از همه نسبت به یادگیری علم علاقه‌مندتر است.

۳. محمد بن ابراهیم القاسمی می‌گوید: علی بن ابی‌طالب داناترین امت پیامبر (ص) است. «...لأنه - عليه السلام - أعلم هذه الأمة على الإطلاق»^(۳).

۴. ابن صباغ مالکی درباره علی (ع) می‌گوید:

حکمت از گفتارش چیده می‌شد و دانش‌های آشکار و نهانی به قلبش بسته بود، همیشه از سینه‌اش دریا‌های علوم، جوشان و امواجشان خروشان بود تا آنجا که رسول خدا (ص) فرمود: انا مدينة العلم وعلیُّ بابها؛ من شهر علمم و علی (ع) باب (در) آن است،^(۴).

۱. الأصبهانی، أبو نعیم أحمد بن عبد الله. حلیة الأولیاء، ج ۱، ص ۶۱. بیروت: دار الکتب العربی. چاپ چهارم، ۱۴۰۵.

۲. الخادمی، أبو سعید محمد بن محمد. بریقة محمودیة، ج ۲، ص ۸.

۳. القاسمی أبو عبد الله، ابن الوزير محمد بن ابراهیم بن علی بن المرتضی بن المفضل الحسنی، عز الدین، من آل الوزير. العواصم والقواصم فی الذب عن سنة أبي القاسم، ج ۱، ص ۲۸۶.

۴. اکبر اسد علیزاده. امام علی (ع) از نگاه اندیشمندان غیر شیعه، ص ۵۰. قم: مؤسسه امام صادق (ع). چاپ اول، ۱۳۸۱ ش.

۵. جاحظ می گوید:

علی بن ابیطالب کرم الله وجهه، پس از رسول خدا از همگان فصیح تر و دانشمندتر و زاهدتر...بود، (۱).

۶. محمد اسکافی می گوید:

حبر علیهم بالذی هو کائن * والیه فی علم الرسالة یرجع

أصفاه احمد من خفی علومه * فهو البطین من العلوم الأنزع، (۲).

علی عالمی است دانا و خبیر به وقایع موجوده و در علم رسالت به سوی او بازگشت می کنند.

احمد او را از روی علوم پنهانی خود برگزید و علوم خود را به او اختصاص داد، پس علی از علوم سرشار است و از جهل و نادانی، تهی.

۷. محمد بن حجرالوراق القمی می گوید:

علی لهذا الناس قد بین الهدی * هم اختلفوا فیه ولم یتوجم

علی أعاش الدین وفاه حقه * ولولاه ما أفضی إلی عشر درهم، (۳).

علی است که برای مردم روشن ساخت آنچه را که در آن اختلاف داشتند به واسطه شدت غیظ یا خوف از تکلم بازنماند.

علی است که دین خدا را روزی داد و حق حیات و زندگی آن را وفا کرد و اگر او نبود، به قدر یکدهم درهم هم سهمیه ای برای دین خدا نمی ماند.

۱. رضایی، عبدالرحمن. در آستانه آفتاب، ص ۱۶. مشهد: دانشگاه علوم رضوی. چاپ، ۱۳۸۰ ش.

۲. ابن شهر آشوب، محمد بن علی. مناقب آل ابی طالب. تحقیق: لجنة من أساتذة النجف الأشرف، ج ۱، ص ۳۲۳. النجف الأشرف: المكتبة الحیدریة. چاپ: ۱۳۷۶ - ۱۹۵۶ م.

۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی. مناقب آل ابی طالب. تحقیق: لجنة من أساتذة النجف الأشرف، ج ۱، ص ۳۲۳. النجف الأشرف: المكتبة الحیدریة. چاپ: ۱۳۷۶ - ۱۹۵۶ م.

گرچه علماء و اندیشمندان بسیاری درباره برتری علم امام علی (ع) سخن گفتند و با عبارات مختلف اعتراف نمودند که علی (ع) عالم‌تر است و فاضل‌تر است که جمع‌آوری همه آن‌ها نیازمند مقاله جداگانه است که در این مختصر نمی‌گنجد و لذا از باب مشتم نمونه خروار به همین تعداد اکتفا می‌شود.

نتیجه‌گیری

یافته‌هایی این تحقیق عبارت‌اند از:

۱. روایات متواتر از طریق شیعه و سنی با سندهای صحیح از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نقل شده است که علی علیه‌السلام داناترین انسان‌ها است.

۲. طبق روایات صحیح امام علی (ع) می‌فرماید: که رسول خدا (ص) به من هزار باب علم آموخت و از هر باب هزار باب گشوده شد؛ و نیز خود حضرت فرمود: از هر چیزی که می‌خواهید از من سؤال کنید. به صورت مطلق بدون هیچ قیدی، در دنیا احدی نمی‌تواند چنین ادعا کند؛ و این دلیل بر برتری دانش آن حضرت نسبت به دیگران است.

بنابراین به اعتقاد شیعه و سنی علی علیه‌السلام داناترین مردمان است، زیرا از نظر شیعه امام علی (ع) معصوم است و سخنش حجت است. از نظر اهل سنت امام علی (ع) صحابه پیامبر است و قول صحابه حجت است.

۳. بسیاری از صحابه تصریح نموده است که علی علیه‌السلام داناترین انسان است. با توجه به این تصریحات اثبات می‌شود که علی علیه‌السلام در نزد شیعه و سنی داناترین مردمان است، زیرا اولاً: طبق هردو اعتقاد قول عادل و ثقه حجت است، بسیار از صحابه فوق عادل و ثقه است. ثانیاً: اعلمیت امام علی (ع) به صورت تواتر نقل شده است. ثالثاً: قول صحابه در نزد اهل سنت حجت است.

۴. علماء و اندیشمندان هردو فرق تصریح نموده‌اند که علی داناترین انسان است.

با توجه با این همه شواهد برای هیچ عاقلی تردیدی باقی نمی ماند که علی علیه السلام داناترین انسان درگذشته و آینده بوده و است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة لابن ابی الحدید. قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی. چاپ: اول، ۱۴۰۴ ق.
۳. ابن الجوزی، عبد الرحمن بن علی. العلل المتناهية فی الأحادیث الواهية. تحقیق: خلیل المیس. بیروت: دار الکتب العلمیة. چاپ اول، ۱۴۰۳.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی (للصدوق). تهران: کتابچی. چاپ: ششم، ۱۳۷۶ ش.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال. تحقیق: غفاری، علی اکبر. قم: جامعه مدرسین. چاپ: اول، ۱۳۶۲ ش.
۶. ابن شاذان قمی، أبو الفضل شاذان بن جبرئیل. الفضائل (لابن شاذان القمی). قم: رضی. چاپ: دوم، ۱۳۶۳ ش.
۷. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام (لابن شهر آشوب). قم: علامه. چاپ: اول، ۱۳۷۹ ق.
۸. ابن طاووس، علی بن موسی. طرف من الأنباء و المناقب. مشهد، چاپ: اول، ۱۴۲۰ ق.
۹. أحمد زکی صفوت. جمهرة خطب العرب. تحقیق: بلا. بیروت: المکتبة العلمیة.
۱۰. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة (ط - القديمة). تحقیق رسولی محلاتی، سید هاشم. تبریز، چاپ: اول، ۱۳۸۱ ق.
۱۱. الأصبهانی، أبو نعیم أحمد بن عبد الله. حلیة الأولیاء. بیروت: دار الکتب العربیة. چاپ چهارم، ۱۴۰۵.

١٢. أكبر اسد عليزاده. امام علي (ع) از نگاه اندیشمندان غير شيعه. قم: مؤسسه امام صادق (ع). چاپ اول، ١٣٨١ ش.
١٣. الآبي، أبو سعد منصور بن الحسين. نثر الدرر. تحقيق: خالد عبد الغنى محفوظ. بيروت: دار الكتب العلمية. چاپ اول، ١٤٢٤ هـ - ٢٠٠٤ م.
١٤. البغدادي، عبد القادر بن عمر. خزانه الأدب ولب لباب لسان العرب. تحقيق: محمد نبيل طريفى/اميل بديع اليعقوب. بيروت: دار الكتب العلمية. چاپ اول، ١٩٩٨ م.
١٥. البلاذرى، أحمد بن يحيى بن جابر. أنساب الأشراف الوفاة: ٢٧٩، دار النش. ر
١٦. التوحيدى، أبو حيان على بن محمد بن العباس. البصائر والذخائر. تحقيق: دوداد القاضى. بيروت: دار صادر. چاپ چهارم، ١٤١٩ هـ - ٩٩٩ م.
١٧. جرج جرداق مسيحي لبنانى. صوت العدالة الانسانية.
١٨. الجرجانى، عبدالله بن عدى بن عبدالله بن محمد أبو أحمد. الكامل فى ضعفاء الرجال. تحقيق: يحيى
١٩. مختار غزاوى. بيروت: دار الفكر چاپ اول، ١٤٠٩ - ١٩٨٨.
٢٠. جزائرى، نعمت الله بن عبد الله. رياض الأبرار فى مناقب الأئمة الأطهار. بيروت: چاپ: اول، ١٤٢٧ ق - ٢٠٠٦ م.
٢١. الجزرى، عز الدين بن الأثير أبى الحسن على بن محمد. اسد الغابة. تحقيق: عادل أحمد الرفاعى. بيروت: دار إحياء التراث العربى. چاپ اول، ١٤١٧ هـ - ١٩٩٦ م.
٢٢. الحاكم النيسابورى، محمد بن عبدالله أبو عبدالله. المستدرک على الصحيحين. تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا. بيروت: دار الكتب العلمية. چاپ اول، ١٤١١ هـ - ١٩٩٠ م.
٢٣. حسكانى، عبيد الله بن عبد الله، شواهد التنزيل لقواعد التفضيل. تحقيق: محمودى، محمد باقر. تهران: التابعة لوزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامى، مجمع إحياء الثقافة الإسلامية. چاپ: اول، ١٤١١ ق.
٢٤. الخادمى، أبو سعيد محمد بن محمد. بريقة محمودية .
٢٥. الخطيب البغدادي، أحمد بن على بن ثابت. موضح أوامم الجمع والتفريق. تحقيق: د. عبد المعطى أمين قلجعى. بيروت: دار المعرفة. چاپ اول، ١٤٠٧.
٢٦. الدولابى، الإمام الحافظ أبو بشر محمد بن أحمد بن حماد. الذرية الطاهرة. تحقيق: سعد المبارك الحسن. الكويت: الدار السلفية. چاپ اول، ١٤٠٧، الطبعة: الأولى،

٢٧. الديلمي الهمذاني، شيرويه بن شهردار. لفردوس بمأثور الخطاب. تحقيق: السعيد بن بسيونى زغلول. بيروت: دار الكتب العلمية. چاپ اول، ١٤٠٦ هـ
٢٨. الدينورى، ابن قتيبة. الامامة والسياسة. تحقيق: طه محمد الزينى. ناشر: مؤسسة الحلبي وشركاه للنشر والتوزيع.
٢٩. الذهبي، شمس الدين محمد بن أحمد بن عثمان. تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير والأعلام. تحقيق: د. عمر عبد السلام تدمرى. بيروت: دار الكتاب العربى. چاپ اول، ١٤٠٧ هـ - ١٩٨٧ م.
٣٠. الذهبي، شمس الدين محمد بن أحمد. ميزان الاعتدال فى نقد الرجال. تحقيق: الشيخ على محمد معوض والشيخ عادل أحمد عبدالموجود. بيروت: دار الكتب العلمية. چاپ اول، ١٩٩٥.
٣١. رضى، عبدالرحمن. در آستانه آفتاب. مشهد: دانشگاه علوم رضوى. چاپ، ١٣٨٠ ش.
٣٢. الزمخشري. الفايق فى غريب الحديث. بيروت: دار الكتب العلمية. چاپ: الأولى، ١٤١٧ - ١٩٩٦ م.
٣٣. الزهرى، محمد بن سعد بن منيع أبو عبدالله البصرى. الطبقات الكبرى. بيروت: دار صادر.
٣٤. السيوطى، جلال الدين عبد الرحمن. الإتيقان فى علوم القرآن. تحقيق: سعيد المنذوب. لبنان: دار الفكر. چاپ، ١٤١٦ هـ - ١٩٩٦ م، الطبعة: الأولى.
٣٥. السيوطى، جلال الدين عبد الرحمن. جامع الاحاديث (الجامع الصغير وزوائده والجامع الكبير).
٣٦. السيوطى، عبد الرحمن بن أبى بكر. تاريخ الخلفاء. تحقيق: محمد محى الدين عبد الحميد. مصر: مطبعة السعادة. چاپ اول، ١٣٧١ هـ - ١٩٥٢ م.
٣٧. الشافعى، أبى القاسم على بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله. تاريخ مدينة دمشق وذكر فضلها وتسمية من حلها من الأماثل. تحقيق: محب الدين أبى سعيد عمر بن غرامة العمرى. بيروت: دار الفكر. چاپ، ١٩٩٥.
٣٨. شريف الرضى، محمد بن حسين. نهج البلاغة (للصباحى صالح). قم: نشرهجرت. چاپ: اول، ١٤١٤ ق.
٣٩. الشيبانى، أحمد بن حنبل أبو عبد الله. فضائل الصحابة لابن حنبل. تحقيق: د. وصى الله محمد عباس. بيروت: مؤسسة الرسالة. چاپ اول، ١٤٠٣ - ١٩٨٣.
٤٠. الشيبانى، أحمد بن حنبل أبو عبد الله. مسند الإمام أحمد بن حنبل. مصر: مؤسسة قرطبة.
٤١. الشيرازى أبو إسحاق، إبراهيم بن على بن يوسف. طبقات الفقهاء. تحقيق: خليل الميس. بيروت: دار القلم.

٤٢. الصالحى الشامى، محمد بن يوسف. سبل الهدى والرشاد. تحقيق: عادل أحمد عبد الموجود وعلى محمد معوض. بيروت: دار الكتب العلمية. چاپ اول، ١٤١٤ هـ
٤٣. صفار، محمد بن حسن. بصائر الدرجات فى فضائل آل محمد صلى الله عليهم. تحقيق: كوجه باغى، محسن بن عباسعلى. قم: مكتبه آيه الله المرعشى النجفى. چاپ: دوم، ١٤٠٤ ق.
٤٤. الصنعانى، عبد الرزاق بن همام. تفسير الصنعانى. تحقيق: د. مصطفى مسلم محمد. ارياض: مكتبة الرشد . چاپ، اول، ١٤١٠.
٤٥. الطبرانى، سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم. المعجم الكبير. تحقيق: حمدى بن عبدالمجيد السلفى. الموصل: مكتبة الزهراء. چاپ دوم، ١٤٠٤ - ١٩٨٣.
٤٦. طبرى، احمد بن على. الإحتجاج على أهل اللجاج (للطبرى). مشهد: نشر مرتضى. چاپ: اول، ١٤٠٣ ق.
٤٧. طبرى آملی، عماد الدين أبى جعفر محمد بن أبى القاسم. بشارة المصطفى لشيعة المرتضى (ط - القديمة). نجف: المكتبه الحيدريه. چاپ: دوم، ١٣٨٣ ق.
٤٨. العاملى النباطى البياضى، على بن يونس. الصراط المستقيم. تحقيق: محمد الباقر البهردى. ناشر: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية. چاپ: الأولى، ١٣٨٤.
٤٩. العراقى، أبو الفضل. المغنى عن حمل الأسفار. تحقيق: أشرف عبد المقصود. الرياض: مكتبة طبرية. چاپ اول، ١٤١٥ هـ - ١٩٩٥ م.
٥٠. الغزالى أبو حامد، محمد بن محمد. حياء علوم الدين. بيروت: دار المعرفة.
٥١. القاسمى أبو عبد الله، ابن الوزير محمد بن إبراهيم بن على بن المرتضى بن المفضل الحسنى، عز الدين، من آل الوزير. العواصم والقواصم فى الذب عن سنة أبى القاسم.
٥٢. القاضى النعمان المغربى، شرح الأخبار. تحقيق: السيد محمد الحسينى الجلالى. قم: مؤسسة النشر الإسلامى التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة.
٥٣. القندوزى، سليمان ابن ابراهيم. ينابيع المودة لذوى القربى. تحقيق: سيد على جمال أشرف الحسينى. ناشر: دار الأسوة للطباعة والنشر. چاپ: الأولى، ١٤١٦.
٥٤. كلينى، محمد بن يعقوب، الكافى. تهران: دار الكتب الاسلاميه. چاپ: چهارم، ١٤٠٧ ق.

٥٥. الكوفى، أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبة. مصنف ابن أبي شيبة. تحقيق: كمال يوسف الحوت. الرياض: مكتبة الرشد. چاپ اول، ١٤٠٩.
٥٦. المالكي (ابن الصباغ)، على بن محمد أحمد. الفصول المهمة في معرفة الأئمة. تحقيق: سامى الغيرى. ناشر: دار الحديث للطباعة والنشر. چاپ اول، ١٤٢٢.
٥٧. مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى، بحار الأنوار. بيروت: دار احياء التراث العربى. چاپ: دوم، ١٤٠٣ ق.
٥٨. المدائنى، محمد بن أبى الحديد. شرح نهج البلاغة. تحقيق: محمد عبد الكريم النمرى. بيروت: دار الكتب العلمية. چاپ اول، ١٤١٨ هـ.
٥٩. المرعشى، سيدنور الله الحسينى. شرح إحقاق الحق. تحقيق: السيد شهاب الدين المرعشى النجفى. قم: منشورات مكتبة آية الله العظمى المرعشى النجفى.
٦٠. المروانى، أبو عبد الله محمد بن وضاح بن بزيع. البدع.
٦١. مفيد، محمد بن محمد. الإختصاص. تحقيق: غفارى، على اكبر و محرمى زرندى، محمود. قم: المؤتمر العلمى لآل فيه الشيخ المفيد. چاپ: اول، ١٤١٣ ق.
٦٢. مفيد، محمد بن محمد. الإرشاد فى معرفة حجج الله على العباد. قم: كنگره شيخ مفيد. چاپ: اول، ١٤١٣ ق.
٦٣. مفيد، محمد بن محمد. الأمالى (للمفيد). تحقيق: استاد ولى حسين و غفارى، على اكبرف ص ٧٧. قم: كنگره شيخ مفيد. چاپ: اول، ١٤١٣ ق.
٦٤. المناوى، عبد الرؤوف. فيض القدير. مصر: المكتبة التجارية الكبرى. چاپ اول، ١٣٥٦ هـ.
٦٥. المنقرى، نصر بن مزاحم بن سيار. وقعة صفين. تحقيق وشرح: عبد السلام محمد هارون. مصر: المدنى. چاپ سومف ١٣٨٢.
٦٦. هلالى، سليم بن قيس، كتاب سليم بن قيس الهلالى. تحقيق: انصارى زنجانى خوئىنى، محمد. ايران: قم: چاپ: اول، ١٤٠٥ ق.
٦٧. الهندى، علاء الدين على المتقى. كنز العمال فى سنن الأقوال والأفعال. تحقيق: محمود عمر الدمياطى. بيروت: دار الكتب العلمية ... چاپ اول، ١٤١٩ هـ.

٦٨. الهيثمي، أبو العباس أحمد بن محمد بن علي ابن حجر. الصواعق المحرقة على أهل الرفض والضلال والزندقة. تحقيق: عبد الرحمن بن عبد الله التركي - كامل محمد الخراط. لبنان: مؤسسة الرسالة. چاپ اول، ١٤١٧ هـ - ١٩٩٧ م.

٦٩. اليعقوبي، أحمد بن أبي يعقوب بن جعفر بن وهب بن واضح. تاريخ اليعقوبي. بيروت: دار صادر.

٧٠. يعقوبي، احمد بن يعقوب (مترجم: آيتي). تاريخ اليعقوبي (فارسي). تحقيق: ترجمهء: دكتور محمد ابراهيم آيتي. چاپ دوم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر كتاب.